

بازرگانی خارجی؛ ساختار ایستا، تکرار و خبط

گفتگویی با مجتبی خسرو تاج معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی

مشکلات و محدودیتهای که پس از پیروزی انقلاب در پیش روی مسئولان اداره کشور قرار گرفت و همستر از همه عهده و جود تقاضم در تمسین بخش اقتصادی کشور، سیبب شده است که شش سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز هم ساختار تجارت خارجی کشور دچار تحولی کلی و بنیانی نشده باشد. چندین بار پاسخ برای اینکه چرا طی این ۸ سال در دگرگونی روندهای اصلی تجارت خارجی کشور موفقیت کامل نداشته ایم، مسرر گفتگویی با اطلاعات سیاسی - اقتصادی با آقای مجتبی خسرو تاج معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی است که در زیر از نظر خوانندگان می گذرد...



اطلاعات: شاید بهتر باشد به عنوان مداخله این موضوع را مطرح بفرمایید که ارزیابی شما از سیاستهای بازرگانی کشور، چه سیاستهایی اعمال شده در تجارت خارجی کشور، طی سالهای اخیر چیست؟ آیا اصولاً در این مورد سیاستی وجود داشته است؟

خسرو تاج: اگر ابتدا انتظاراتمان از بازرگانی خارجی کشور را شرح کنیم، بهتر می توان نسبت به اینکه در مورد بازرگانی خارجی کشور، چه سیاستهایی اعمال شده قضاوت کرد. در گذش کل کار در مورد صادرات و واردات یعنی بازرگانی خارجی کشور، چند عامل موثر است که شکل کار با توجه به آنها صورت می گیرد.

سیاستهای بازرگانی خارجی اولاً باید هماهنگی خود را با سیاستهایی که در تولید و مصرف داریم حفظ کنند. ما در تجارت خارجی با توجه به نظام اقتصادی اسلامی و اصول فقهی و آنچه در رساله امام وجود دارد یکسری اهدافی را طی سالهای بعد از انقلاب داشته ایم و همیشه روی آنها تأکید داشته ایم که به طور کلی می توان آنها را به عنوان اصول حاکم بر روابط خارجی کشور ذکر کرد به عنوان مثال، ما همیشه در روابط خارجی خود تأکید کرده ایم که نباید ایجاد کنیم. اگر گفتیم که ما به آنها حساسیت داریم، به سلاسه کنیم، این امر که چه حقوقی برای طرف ایرانی و برای طرف خارجی در نظر گرفته شده مشخص می کند که در چه سطح و ابهامی که ما به آنها حساسیت داریم در موضوعاتمانه های قابل مبرود داشته است. بعد از انقلاب این یک اصل کلی و حاکم بر تمامی مذاکرات و روابط خارجی ما بوده است. با همین دید اقتصاد اسلامی، برای ما مطرح بوده که طرفهای تجاری ما چه کسانی باشند این امر به صورتی دوسره به معنی اینکه ما چه کسی در خارج تجارت می کنیم. و در واقع به کسی این تجارت را انجام بدهد برای ما مطرح بوده است. همچنین در چند سال گذشته نبل به خودکفایی و حرکت در جهت تولید بیشتر، محور اهداف و مدنظر ما بوده است. اینها محورهای عمده ای است که با ترتیب به اسرار اردوهای اسلامی در روابط خارجی و بازرگانی ما حاکم بوده است.

برای هر یک از اهدافی چون خودکفایی و جلوگیری از سلطه، گنجهایزیمبای خاصی در سالهای گذشته به کار برده ایم. در مورد شکل فراردمای که با خارج داریم.

حیات وزیران در سالهای گذشته مجبوره سوابق آنرا تصویب کرده اند. این امر که چگونه به خودکفایی برسیم واصل حمایت از تولیدات داخلی همه ساله در قانون صادرات و واردات مدنظر بوده است و ما این مطلب را رعایت کرده ایم که هر کلاهی وارداتی اگر امکان تولید داخلی داشته باشد باید برای ورود مجوز لازم را از وزارتخانه فریط داشته باشد.

به برات می توان گفت که هیچ کلاهی که در داخل امکان تولید آن هست بدون مجوز مخصوص امکان وارد شدن به کشور را ندارد. این یک مکتبیس مثبت و واردات ما بوده است و یکی از مشکلاتی که بنام بوروکراسی بر سر راه واردات عنوان می شود نیز ناشی از همین موضوع است که ما می خواهیم واردات بدون حساب و کتاب و آسیب رسان به تولید داخلی نداشته باشیم. این امر که دولت توانسته است در سالهای گذشته با تغییراتی در سود بازرگانی و حقوق و یوزافش کمزگی کلاها نقش کلاهای معمری را کم کند و به تدریج اولویت بیشتری برای کلاهای سرمایه ای کابل شود. این روشهای خوبی بوده است. که در جهت حمایت از تولید داخلی به کار گرفته شده است.

مزیال گلشنه عالیها و سود بازرگانی و حقوق کمزگی به حدی بوده است که تولید داخلی برانداز و واردات رفایت کند و اگر تولید داخلی نتواند با این شرایط رقابت کند، اسفد را باید در نظام تولیدی جیسنر کرد که چرا علی رغم این همه حمایت امکان رقابت با کلاهی خارجی را ندارد. این ترتیب می توان گفت که سه محور تولید داخلی از سطح خارجی، رسیدن به خودکفایی، نبل به مزیای اقتصاد اسلامی و موضوع تأمین نیازهای ضروری و اساسی مردم با توجه به رشد جمعیت و ساختار تولید، محورهای عمده ای هستند که طی سالهای گذشته برای ما مطرح بوده اند.

این مساله که چگونه از صادرات تک محصولی به صادرات کلاهای غیر نفتی پرداخته ایم نیز از محورهای دیگر سیاست ما بوده است.

اطلاعات: شما فرمودید که سیاست جلوگیری از سلطه، رسیدن به خودکفایی و تحقق مزیای اقتصاد اسلامی و راهی از تک محصولی نفت در سالهای گذشته مطرح و حاکم بوده است. ما می خواهیم بدانیم کدامیک از این اهداف تحقق پیدا کرده است. مثلاً افزایش صادرات غیر نفتی و راهی از سیستم تک



محصولی تا حدود زیادی به واسطه کاهش بهای نفت و اقبال در تأمین ارز حاصل شده و با واردات پارچه و الباف مصنوعی که در سالهای قبل انجام شد و با چای که در حال حاضر وارد می شود و همه درجهیم پالائی بوده اند به تولیدات داخلی صنعه می زند. ترکیب واردات و سهم کلاهای سرمایه ای، واسطه ای و معمری نیز کما بیش بی تغییر مانده. تغییر ساختار اقتصادی و تحقق مزیای اقتصاد اسلامی آیا انجام شده است، مساله توزیع دردمای ما از گذشته بعد است؟ آیا سوسیدی که به دلیل دافن ارز نشی به بخش خصوصی به عده معهودی داده شده درجهت مزیای اقتصاد اسلامی بوده. وجود این تکلهای درآمدی و تورم حاضر چگونه توضیح داده می شود؟

چشم انداز توسعه صادرات

خسرو تاج: اینها طیف وسیعی از موضوعات است که باید به آنها یک به یک پاسخ داد. در رابطه با اینکه برای راهی از تک محصولی چه اقدامی شده، باید گفت که بافت اقتصاد گلشنه و وابستگی اسفد ما به اقتصاد سرمایه داری اصل صلیبی بوده است. در سال ۵۳، ما شاهدیم که با افزایش درآمد نفت مجوزهای خاصی برای واردات داده می شود. و حتی اگر در قبل از این سال برای ثبت سفارش واردات در سیستم بانکی هزینه ای پرداخت می شد بعد از سال فوق اعلام می شود که واردات اجتناب به حق ثبت سفارش ندارد و در همان سالها یکسری فروشگانهای زنجیری تحت عنوان کورش تشکیل می شود که درجهت فروش کلاهای معمری و سود رسانی به سرمایه داران و عوامل داخلی آنها طراحی شده است. ارجح این موضوع در سال ۵۴ شاهدیم که هزینه ارزی واردات به ۱۴ میلیارد دلار می رسد. منابع جدید، را حاکم نقت تک و چگونه از کلاهای سنتی منابع جدیدی ایجاد کنیم. یکی هم این است که در درآمدزایی برای ما تا ۱۰ سال آینده این نوع صادرات آیا می تواند جلای بخش بوده و درجهت توسعه اقتصادی کشور نقت، داشته باشد. و ما اینکه باید برای آن برآزم، ریزی کرد؟ در معصوم همه به این نتیجه رسیده اند که تکیه بر کلاهای

صادراتی سنتی، در نهایت به یک بی بیست می رسد و در نهایت ما این کالاها را برای اقتصاد کشور جات بخش نمی یابیم.

ما با سرمایه گذاری در منابع غنی خود در بخش معادن و گاز می توانیم این موارد را بیفتد جایشین نفت خود بکشیم با امکانات غرب خوبتریم در زمینه نساجی و در صورت تکیه بر این صنعت می توانیم برای این بخش سهم بالایی در درآمدی ارزی در نظر بگیریم.

با توجه به وضع منطقی ما در تولید بسیاری از کالاها نسبت به کشورهای دیگر از مزیت نسبی برخوردار هستیم و می توانیم صادرات داشته باشیم. در مورد صنعت کاشی سازی به عنوان مثال، کاشان و آرزوی لازم برای رشد این صنایع را در اختیار داریم، همچنین در زمینه نساجی چینی مثل پوست یا فارو می توانیم کار کنیم و موارد دیگری هم هست که با این مدت کوتاه روی آنها بررسی شده و نتیجه گرفته ایم که صنایع ما باید به آنها توجه کنند ولی در کوتاه مدت نمی توان به بخش مثلا فرش و با کالاهای کشاورزی در برآوردن نیازهای بی تفاوت بود تا یکد بر این کالاهای همچنین به خاطر نشتی است که می تواند در صنایع روستایی و ایجاد اشتغال داشته باشند. مثلا کسب می توانند بخش فرش را در صنایع روستایی و ایجاد فصل و برآورد نیازهای روستایی نلی کنند بنابر این همه صادرات آن می توان هم از این نقطه نظر و هم از دیدگاه ایجاد درآمد ارزی نگاه کرد.

کالاهای مصرفی و سرمایه ای

در مورد ترکیب کالاهای وارداتی باید گفت که با توجه به ساختار ما که ۷۰٪ مواد معدنی و انرژی و ۳۰٪ صنایع و خدمات با توجه به محدودیت های ارزی، ما صرفا مجبور شدیم کالاهای را که مواد اولیه تولید کالاهایی هستند که هنوز روی آنها تصمیم اساسی گرفته نشده و باید در حال حاضر طرف دومی از واردات ما کالاهای واسطه ای است. البته در سال گذشته خیلی رقم کمی محدودیتهای ارزی، طرحهای مهم هم در انتاب که همگی در رابطه با تولید و صنایع اساسی هستند و نقش مهمی را در کاهش واردات دارند اجرا کرده و سهم مهمی از درآمد ارزی ما به آنها اختصاص دادیم تا بتوانند نشتی که در جایگزینی واردات دارند بازی کنند.

اما از این بخش که بگنیم، باید مصارف ارزی ما در بخش کالاهای واسطه ای، سده که مورد نیاز بخشهای تولیدی است. مثلا آهن و فولاد یک کالای واسطه ای لازم برای تولید بسیاری از کالاها وارد شده است، اینکه چه درصدی از ارز کشور صرف کالاهای سرمایه ای شده است، مسئله ای است که باید به دولت دیگری به آن نگاه کرد. مثلا هزینه های ارزی وزارت نیرو را باید در بخش کالاهای سرمایه ای محسوب کرد چون این ارز برای تولید برق کشور مصرف می شود. همچنین واردات وزارت کشاورزی را باید در جهت تولید کشاورزی محسوب کرد با این حال یک درصدی از کالاهای وارداتی کالاهای اساسی مانند گندم، شکر، برنج و گوشت بوده اند که در بخش کالاهای مصرفی و شناخته می شوند ولی باید توجه داشت که نشتی این کالاها در زندگی आम مردم چیست.

و کلی باید بندی کالاهای وارداتی و شکل واردات سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی برخورد شود از آنجا که این اقدام در مصرفی قرار می گیرند، بلافاصله درصد کالاهای مصرفی بالاتر نشان داده می شود. در صورتیکه این نوع کالاها در جهت سیاست کلی دولت یعنی تامین کالاهای اساسی به قیمت نازل برای همه مردم است. ما اکنون خیلی رقم کمی صنایع مطلوب در بخش کشاورزی و بخش نساجی، نیروی و کسب، با توجه به افزایش جمعیت، مجبوریم سالانه رقم بالایی از ارز برای این کالاهای مصرف کنیم. بنابراین بالا بودن درصد کالاهای مصرفی را باید با توجه به این نکته نگاه کرد. مجموع می توانیم بگنیم با وجود محدودیت های ارزی،

در سال گذشته نسبت به تخصیص ارز برای طرحهای مهم انتاب اقدام شده و حدود ۱۰ درصد کل ارز مصرفی برای رفع احتیاج این واحدها بوده است.

● اطلاعات: شما فرمودید که ما مطمئن هستیم کالایی که در داخل امکان تولید آن هسته و وارد نمی شود این کار مشکلی نیست ولی آیا هر کالایی که به کشور وارد شده، لازم بوده است؟

ابن این کالاهای واسطه ای بسیاری از کالاها و مواد اولیه هست که در صنایع ما تولید می شوند و بعد برای صنایع ما مصرف آنها مجبوریم دست به رفتار ویژه ای بزنیم مثلا این کالای واسطه ای پیون خریدار را در مراد با یک کالای مصرف به مصرف کننده تحویل

● با توجه به ساختار بجا مانده از رژیم سابق و محدودیت ارزی، ما مجبور شدیم کالاهایی را که مواد اولیه تولید آنها هستند که هنوز در مورد آنها تصمیمی گرفته نشده وارد کنیم.

● نظام باقی مانده از گذشته نظامی نبوده است که بتواند با برنامه روی آن کار کرد.

● واردات بدون انتقال ارز و سرمایه از طرف ما به خارج حل مشکلات جزئی واحدهای تولیدی مجاز شناخته شد، اما افرادی با جمع کردن شناسنامه ها، وام ۲۰۰ و ۳۰۰ حتی ۱۰۰۰ میلیون توانایی را به این طریق وارد کشور کردند.

● ولی وقتی سرمایه گذاری در صنایع کشور در بخش معادن و کانی می توانیم این مواد را جایشین نفت خود کنیم.

● در این زمینه های مشخصی باید نسبت به تعیین تکلیف واحدهایی که تولید دارند ولی تولید آنها در ساختار فعلی اقتصاد ما دارای اولویت نیست اقدام کنند.

کتب این امر منظور که اشاره کردید به ساختار نساجی تولید ما بر می گردد. ساخت سال برای تغییر این ساختار فرصت فاشته باید سوال این است که در این مدت چه کرده ایم؟

خسرو تاج: ممکن است کالاهایی در داخل وجود داشته باشند و سپس این تصور شود که این کالاها در خارج بویب صادرات و مجبورهای دولت وارد شده اند اما این بحلی است که در جهت واردات بدون انتقال ارز باید بررسی شود. هر کالایی که در بازار دیده می شود نباید این تصور را به وجود بیاورد که سیاست دولت بر واردات آن استوار بوده است.

● اطلاعات: آیا اجازه حضور این کالاها، خود یک نوع تسهیل سیاست نیست؟

خسرو تاج: محدودیتهای این مورد و اینکه به چه دلیل نمی توان با آن مقابله کرد و معضله ای ما در این بخش به دست را به دلیل تسهیلات خرامیم کرد اما اینکه من گفتیم هر کالایی که در داخل تولید شود وارد نمی شود کاملا ایبطور نیست. در مواردی که کالای تولید در داخل تکاملی مصرف را نکند اجازه واردات داده می شود مانند واردات گندم، که تولید داخلی آن جوابگویی نیاز داخلی نیست بنابراین تولید و نیاز، در مجموع تعیین می کند که برای واردات یا عدم واردات یک کالای تصمیم گرفته شود اما برای اینکه ببینیم آیا تمام واردات برای بخش تولید لازم هست یا نه باید گذشته را بررسی کنیم و ببینیم چرا می در بخش صنعت تولید می توانیم در این زمینه در سالهای ۵۹ و ۶۰ چگونه بندی ارزی را شروع کرد و بعد از آن اینکه بنده که هر کس بتواند با مراجعه به بانک مرکزی تقاضای ارز برای واردات داشته باشد.

اولویتها و مدیریت آنها

از سال ۶۱ تا سال ۶۶ و اوایل سال گذشته مشکلات زیادی که در سیاست های خارجی کشور به کار گرفته شد سهمیه بندی ارزی به صورت بخشی بیهوش است در این شکل از سیاست گذاری، خاصی خود بخش با وزارتخانه بود که تعیین می کرد اولویت های آن مرتبان نیازها کدام است. به تدریج که محدودیتهای ارزی بیش از حد و سیاستهای دولت، به کنترل بیشتر واردات و نظیر کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی معطوف شد هنگام ما اینکه در بخشهای مختلف مجبور بودند تقاضای زیاد برای بخشهای ارز را در مقابل عرضه اندک آن مشاهده کنند. مسئولان دولت مجبور شدند که در سالهای منحصرا در و به پشتنا و سپس اولویت گذاری بر بخشها، سهمیه بندی شود که یک سری از اولویت های کلی در سطح ملی از لقم بپند.

در بخشها برای تسهیل اولویتها بیشتر دید مدیریتها مطرح است و به این می آید که در واحدها چگونه می توانند به کار خوششان ادامه دهند.

ولی وقتی در بخش کل اقتصاد کشور فشارات شود اولویتها فرق می کند. به این ترتیب ابتدا اولویتها مشخص می شود و بعد به پشتنا ابلاغ می شود تا بتواند چه درصدی از سهمیه خود را باید در کدام رشته صرف تهیه و تولید کدام کالا بکند.

این سهمیه می شود تا برخی از پشتنا به کلی از در بالات از مردم مورد و این همان عمل چرامی است که ذکر آن رفت. پشتن مشخص شده موظف است خودش را با وضع جدید وفق بدهد. یعنی با تحویل شود و با تغییر شکل تولید هدفش که کمسیون تخصیص ارز برای می کند این است که بازنده به گروه بندی کالاهای مورد نیاز، اولویت بندی کند بنابراین چرامی مورد نظر در ساختار اقتصادی به این ترتیب توسط دولت اصلاح می شود و سهمیه می شود که در بخش تکلیف زیرمختصیهای را که اولویت ندارند روشن هستند. مثلا وزارت صنایع باید نسبت به تعیین تکلیف واحدهایی که تولید دارند ولی تولید آنها در ساختار فعلی ما دارای اولویت نیست اقدام کند.

● اطلاعات: تصمیماتی که شما می فرماید به نظر می رسد که برای پاسخگویی به نیازها انجام شده اند و استراتژی ما مندرج هم همان تاسیس نیازها است که به دلیل کمبود درآمد، به نیازهای اساسی محدود شده است. این کمبود برای واردات نمی تواند رقم آخر ما باشد چون اکثریتی بر می در آن به چشم نمی خورد.

همه اتفاق نظر دارند که یکپروزی باید واردات این کالاها تسهیل شود تا در دریاها اینها آشنا اعتماد ندارند این شکل از روش عمل در مورد واردات که تکمیل شده روشهای سابق است. هنوز احتیاج به تغییر



دارد زما ناکامل است. محدودتهایی که امروز در مورد یک واحد صنعتی اشغال می شود و تولید آنرا مبادر اشغال کرد و با متوقف می کند ممکن است ۶ ماه دیگر با پیروید اوضاع آزری برونه شده باشد و واحد را می نشیند دیگر نه کار خود ادامه دهد اگر وجود آن واحد ما لازم چندان نماند. آیا بهتر نیست زودتر یک تصمیم نهایی درباره آن گرفته شود؟

شوروتاج: من حس می کنم این نخبه وجود دارد که اگر ما بخواهیم نتیجه را با پاسخگو باشیم، این یک ضعف است. اما اگر بخواهیم شوروی است و وظیفه دولت برآورین نیاز این است آنها است. آیا دولت می تواند از این وظیفه اصلی شانه خالی کند؟

ما معتقد هستیم نیازهای ضروری مردم باید تأمین شود و باید این کار ادامه داشته باشد. اما اگر مصداق حرف شما مثلا پارچه با چند کالای دیگر باشد و به دلیل یکسری اشکالات و یا نداشتن آمار جامع، وارداتی صورت گرفته، این دلیل این است که ما داریم واردات را به آن سو می کشیم. بهرحال یک سری نیازهای مهم وجود دارد که باید آنها را در اولویت اول قرار دهیم و بعد از آن اگر چیزی باقی ماند نسبت به سایر فعالیتها برنامه ریزی کنیم. بعضی ما در توانم در شرایطی که کشور به کالاهای اساسی نیاز دارد، بگوئیم مثلا می خواهیم در صنعت پتروشیمی سرمایه گذاری کنیم تا چند سال دیگر پاسخگوی نیاز ما باشد. در سالهای آینده وضعیت درآمد آزری به شکلی بوده که برای دولت سرمایه گذاری بیشتر در بخشهای دیگر امکان نداشته است. اما کالاهای اساسی و ضروری در هر حال باید وارد کشور شود.

اطلاعات: کالاهای اساسی نقش چندان حساسی در واردات ندارند و ظاهره نظرهای آقای احمدی این نوع کالاهای دستاوردی گذشته حدود ۱۵ درصد کل برداشتهای آزری بوده است. سؤال ما این است که این وضعیت موجود آیا با کثرتن اساسی متعلق است؟ محصولات صنعتی که امروز مجبور به رعایت آنها هستیم چرا در سال ۶۶ با واردات ۴۴ میلیاردی در نظر گرفته شده است؟ این اشکالاتی که می فرمایند در مورد دولت نبودن آمار جامع و هماهنگ صورت گرفته کدام بوده است؟ آیا بپذیرفتن است که ستونهای بگونی در جامع جمع وجود نداشته است؟

شوروتاج: نظام باقی مانده از گذشته، نظامی بوده است که بتوان روی آن با برنامه کار کرد. شاید هشت سال بهعنوان انقلاب تازه، وزارت صنایع توانسته باشد که تولیدات کشور را از نظر مقدار و نوع زیر نظر بگیرد. در حال حاضر من عرض می کنم که اوضاع مربوط روشن نیست. به خاطر بافت و عملکرد نظام سابق، در اوایل انقلاب اصولا آماری

وجود نداشت. مثلا در مورد واردات و مصرف انواع کالاهای این مراکز تهیه و توزیع هستند که طی این چندساله آماری مرسومه ابراج کشور به انواع این مواد تهیه کرده اند و اوایل انقلاب آمار در مورد هیچ کالایی کاملا روشن نبود.

اطلاعات: به نظر می آید که علاوه بر تصمیمات نامرتبه، برخی تصمیمات درست نیز درینحکام اتخاذ می شوند. مثلا در مورد برخی مواد غذایی آزری مثل کاشنی سرشانی می شود قبل از بهرانی شدن اوضاع تصمیم گرفت.

شوروتاج: تصمیم گیری همین حد مناسب در نظر من است.

واردات بدون حساب و کتاب

اطلاعات: ما می گوئیم انگیزی مصرف و انگیزی تجارت خارجی قبل از انقلاب، همان انگیزی است که بهعنوان انقلاب هم حاکم بوده است. آیا درست است؟

شوروتاج: من می گویم لیسر از این بوده است. یعنی این نقشه به تدریج اصلاح شده است. در حال حاضر هنوز هم در مورد نوع کالا و نوع مصرف بحث است. مثلا شات است. که تلویزیون رنگی ضروری است. یا غیر ضروری. و به تدریج در جهت پاسخگویی به این سؤاها پیش رفتن این. مثلا فرش شاد برای ساخت تلویزیون رنگی دیگر آزری پرداخت می شود.

اطلاعات: بحث براین است که تصمیمات دیر هنگام است و گذشته از این مثلا تلویزیون رنگی هنوز هم توسط مسافین و زائرین در حجم بالایی وارد می شود.

شوروتاج: ما درحقی از این زمینه ها و بازمه مثلا در مورد واردات شدن همین تلویزیون رنگی نظر مثبت و موافقی نداریم.

این امر که سالها گذشته کالاهایی می تواند وارد کند. در مجموع وضعیت که مرکب از وزن نهادهای این مملکت است مورد تصمیم گیری واقع می شود. می توانم بگوئیم که مجموعه وزارت بازرگانی با واردات فزونی کالای تمام شد. ای که ما در داخل امکان تولید آنرا داشته باشیم. موافق نیست. اما از طرف دیگر ما محدودتهایی داریم. مثلا گفته می شود که ما تعداد زیادی کارگر فروزه تولید فارس داریم و درآمد آزری آنها باید جلب کشور شود. سؤال می شود که چرا اجازه نمی دهید یک میلیارد درآمد آزری از ۱۵۰ هزار کارگر وارد کشور شود از این طرف و از طرف فشار وارد می شود و بعد وقتی مجبور ورود این آزری توسط کالا داده می شود، می بینیم که کثرتی از گروه پشت بانک مرکزی می خرید و بعد تحت عنوان کارگر شروع وارد کردن جنس می کنند.

شاید مقداری ناپختگی و ساده لوحانه تصمیم گرفتن در این سیات گوناگون وجود داشته است. باهمی سیاست گذاری به گونه ای باشد که اجازه سوء استفاده را به این افراد ندهد. این امر هنگامه در تصمیم گیریها وجود داشته است. به عنوان نمونه می توان واردات بدون انتقال آزری و شتابمندی از این عاقلان در کفایت دولت و آنچه منظور قانون بوده، از نتیجه سیات این کار به کلی متفاوت است. در قانون صادرات و واردات این موضوع نظر پذیر بوده که اگر یک محصول ۱۰ هزار تومانی برای کسی وارد شده است، نیاز به تشریفات مختلف اداری و مراجمه به وارداتخانه ما باشد. دلیل آنهم این است که برخی واحدها احتیاج به واردات مواد کمی یا اورژانسی دارند که آزرش کلی آنها به در هزار تومان نمی رسد و این واحدها میبایست توسط تهیه آزری کالای مورد نظر را وارد کرده اند تا واحد تولیدی نتواند واحدهای تولیدی ادعا می کنند که در طی تشریفات به تولید آنها

صنعه می خورد و بنابراین صرفا جهت حل مشکل واحدهای تولیدی این ماده قانونی را به وجود آورده ایم. ولی به موجب همین بند خلس افراد امتداد به حد عاقلان ما کلر شتابمندی. افراد مختلف، کالاهایی را با آرزش بالا در سطح ۱۰ و ۲۰ حتی ۱۰۰ میلیون تومان وارد کردند.

ما وقتی متوجه این جریان شدیم، اطلاع دادیم که این مورد تا حد قانونگذار و وزارت بازرگانی است. البته این مطرح شد که باید در حیات دولت مطرح شود. بلاخره کار به اینجا کشید که در قانون سال جدید این موضوع در اصلاحات کتیب چنین صفتیای بوده و ما این را می پذیریم که ما به سیاست گذاریم با من توانستیم به گونه ای عمل کنیم که جای برای سوء استفاده نماند. مثلا مواد اولیه پلاستیک از همین وارد وارد کشور می شود و به عنوان تولید مثلا صرف تولید عروسکی می شود که شاید لیست بالای هم داشته باشد.

اما نتیجه ورود این گونه مواد به این شکل، این امر بوده است که ارزش ریال را با گرانتر کردن دلار در هر چه پشت بانک مرکزی پایین تر آورده است.

در مورد تصمیم گیری ما به این نکته باید توجه داشت که گرفتن تصمیم انقلابی و لازم و ضروری بوده است. به جهت هر چه جامعه باشد من می خوانم که در حال حاضر حساسیت تصمیمات به حدی رسیده است که در حد در حد حساسیت نیست و باید در سطح مقامات بسیار بالایی صورت بگیرد. باید در جای دیگری تعیین بشود که مثلا از امروز کار با پتیر وارد شود یا نه؟

استراتژی توسعه

اطلاعات: کسی هم در مورد صادرات کشور صحبت کنیم. در مورد نظریات مختلفی که پیرامون صادرات تهریفی کشور مطرح می شود و در برخی موارد روی واقع پیانته است. نظر شما چیست؟ آیا با توجه به چشم انداز ما، حکومت گسترش صادرات کالاهای سنتی و غیرمتنی، با همگی درآمد عاقل آزری ما به معائن کشور امری آهینی نیست؟

شوروتاج: در زمینه خروج از یک اقتصاد تک محصولی ما قیام هم صحبت کردیم. این موضوعی نیست که یکسخت بتوان ایجاد مختلف آن را طرایی کرد و از فرآیند گذر از اقتصاد موجود به اقتصاد نوین به اجرا گذاشت. لازم این کار این است که صاحب نظران مسایل اقتصاد ایران را بررسی کرده و زمینه ها را تحول را در کشور. من به یک سری از این زمینه ها اشاره کردم که در مورد آنها باید کار کرد. سنجایی، پتروشیمی، و مانند اینها علاوه بر اینکه می توانستیم سهمی از درآمد آزری را به خود اختصاص ندهد، امکان جایگزینی واردات را هم فراهم کند. این امر در حین حال و ما را مشخص می کند مدتی بود که در مطهرات بحث کردیم که به دلف اول واردات چند ساله اخیر رنگه، کتیب، چند تلم کالاستند که دائما تکرار می شوند مثل گوشت، کبود کتیب، روغن های نباتی. حال می توان پرسید آیا ما در این زمینه ها نمی توانیم با پیشرفت کردیم به عنوان من در زمینه صادرات. در زمینه صادرات و واردات به خود می توان کار کرد و این شرط که بتوان با فرصت کافی روی آن کار تحلیف انجام داد. البته باید به این مساله هم اشاره کنم که در شرایط فعلی اکثر مسایل مشغول انجام کارهای روزمره هستند و فرصت کافی برای مطالعه و بررسی مسایل مختلف را ندارند.

اطلاعات: برخی اوقات در صادرات ما کالاهای به چشم می خورد که فرصت بالایی از زمینه تولید آنها آزری است مثل اتومبیل. این نوع صادرات چگونه توسعه می شود؟

شوروتاج: این امر صرفا به خاطر حفظ اشتغال است.

مکلا واحسی می گویند با فلان مقدار ارز مصرفی می توانم کالای تولید شده را در مقابل مقدار معینی ارز صادر کنم و در ضمن سلخ اشتغال خود را حفظ کنم و کسی هم درآمد ارزی داشته باشم. این با توجه به آن است که ما در سطح سیاست های نوین اقتصادی، در حد حفظ اشتغال با اجازه درآمد کالاهای صادراتی را مانده باید به عنوان ما اگر اصلا تولید ارزی نداشته باشیم ولی اشتغال حفظ شود بهتر از پست شدن در واحد و افسانه شدن به تعداد بیگاران است.

● **اطلاعات:** صدور سواری از یک طرف و ورود آن از طرف دیگر میگویند صدور انبوهی مردم به بلغارستان و ورود و بازگشت از این بگونه توضیح داد می شود البته شاید توضیح این امر به عهد وزارت صنایع متکین باشد ولی بالاخره این جزئی از تجارت خارجی کشور ماست.

ساختار تجارت خارجی

در حدی از تولید خود را صادر کند تا بتواند مواد اولیه خود را تامین کند. بنابراین ما در اقبال قرار می گیریم. مجموعه وزارت بازرگانی علاقه مند است بازار داخلی را گسترش دهد و نیز، بخش بازرگانی داخلی معتدل است که کالاها هرچه بیشتر صرف تامین نیاز داخلی شوند. ولی بخش بازرگانی خارجی هم باید در پی معزادن گرهت تجارت خارجی و جلوگیری از فشار ارزی باشد. سپه جوییم اجازه داریم در مقابل دریافت ارز، مقداری از معصوم صادر شود به حداقل این تصمیم به خاطر این است که صادر و برطرف دروغ بماند، برآوردن ما را در کسب این گزینش برآورد گنگ به بهداشت کند. حداقل روی پای خوش بایستد در این دوره ای، سیاست دولت بر این است که اشتغال حفظ شود

الگوی تجارت خارجی ایران

بقیه از صفحه ۹

وابسته است. ولی جهت تسهیل این تغییرات، تجارت خارجی مصدق می تواند با درگونی خود امکانات ارزی و اصولاً معاملات تجاری را در خدمت توسعه اقتصادی استقلال بخش قرار دهد.

اگر با انتخاب از واردات کالاهای مصرفی و برقراری ارتباط دوجانبه بین واردات و صادرات غیر نفتی با هر کشور، در رشد صادرات متناسب با افزایش توان تولیدی و با توسعه و کاهش مصرف به خاطر صدور گزینش خود، علاوه بر کاهش اثرات منفی و رشد تکنولوژی، صنعت و معدن، واردات در خدمت صنایع اساسی تولید کننده آنچه که هم اکنون از خارج وارد می کنیم قرار می گیرد. با چنین گزینشی از تجارت خارجی و با تأکید بر واردات علوم و تکنولوژی مناسب توسعه اقتصادی ایران، با اتخاذ سیاست های اقتصادی و اجتماعی به تدریج آنچه تجارت مینویس در اقتصاد ایجاد خواهد کرد که الگوی مطلوبی تجارت مینویس که تمرکز سرمایه در کشور را در پی دارد، تحقق خواهد یافت.

از نظر تسهیل تغییر اولیه الگوی تجارت خارجی امری برخی سیاست ها، مگر نیز ضروری است. نظارت بر مصرف و تسهیل آن با هدف مصرف آنچه که در داخل تولید می شود و صدور کالاهای صنایع وابسته (آنچه که هم اکنون نیز در شرف وقوع است)، افزایش مالیه های مستقیم از صنایع درآمد ییز، درآمدهای ناشی از امور غیر تولیدی، هدایت بیشتر اعتبارات صحت بانکی امور تولیدی، تمرکز سرمایه گذاری های دولت با اولویت تمام بر روی صنایع سنگین با هدف رفع نیازهای بخش کشاورزی و تسهیل ارتباط صنایع کوچک موجود، توجه به صنایع برادرسی، برادر امور است. ترس اقتصادی ایران صنایع بخش نفتی و بخش خدمات و هدایت آنها به ویژه به صنایع مستطمان در استفاده از توانایی ها و امکانات خود برای ایجاد تجهیزات اساسی در اقتصاد کشور.

در صورت ایجاد چنین تقاضات ساختاری در اقتصاد ایران الگوی تجارت خارجی ای خواهد داشت. دارای موارد: **صنایع کننده کالاهای ساخته شده صنعتی (بطور عمده)، وارد کننده علوم و تکنولوژی پیشرفته، طرفه های صادراتی متعدد با عدم تمرکز، صادرات وسیع با سایر کشورهای جهان سوم و ایجاد هم پیوستگی اقتصادی و تجاری با آنها در جهت توسعه و یکپارچه سازی اقتصادی متقابل.**

زیربویس ها

۱. سطح تکنولوژی فرایندی بر چه سطحی شدن جهان سوم و تفاوت شدن سطح تکنولوژی در تولید کشورهای توسعه یافته و جهان سوم، امکانات جدید از نظر صدور مواد قطعات، ماشین آلات و تکنولوژی از کشورهای توسعه یافته به جهان سوم را به وجود آورده و درین حال صدور تولیدات این صنایع از برخی کشورهای جهان سوم ممکن گردانیده است.
۲. گزارش اقتصادی و ترانزافته بانک مرکزی ایران سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۴۶ و صفحات ۲۰۸ و ۲۱۲.
۳. این اعلام از گزارش اقتصادی و ترانزافته بانک مرکزی ایران سال ۱۳۴۲ صفحه ۲۱۲ اخذ شده است.
۴. گزارش اقتصادی و ترانزافته بانک مرکزی ایران سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۰، در تریب صفحات ۲۳۳ و ۱۳۳.
۵. گزارش اقتصادی و ترانزافته بانک مرکزی ایران سال ۱۳۵۱، صفحه ۱۳۳.
۶. مانند شماره ۴، صفحه ۱۶۸.
۷. در مصدقهای ضروری از گزارش های اقتصادی و ترانزافته بانک مرکزی ایران سال ۱۳۵۵، صفحات ۲۵۲ و ۲۵۳.

● **اطلاعات:** در مورد شرکای تجاری خارجی و سهم آنها در تجارت خارجی هم کمی صحبت کردیم. شروناج، ما این اولویت را داریم که جهت حرکت ما باید به شکلی باشد با کشورهای روابط اقتصادی داشته باشیم که در بخش سیاسی برای آنها اهمیت قابل مضمین ما این کشورها در یک سری از اقدامات مبادله خارجی دارند و در مورد برخی از کالاها امکاناتی ترانزافته در شرایطی که درآمد ارزی بالا باشد قدرت ممانور روی منابع تامین کالا وجود دارد. مثلا در شرایطی که ۱۶ تا ۱۵ میلیارد دلار درآمد داریم به مراتب بهتر می توانیم واردات خود را با کشورهای تامین کننده کالا تنظیم کنیم. ولی وقتی درآمد کم می شود ارتگاری روی بازارهای خارجی کمتر است. با این حال ما معتقدیم که کشورهای جهان سوم هنوز هم بسیاری مواد وارداتی ما می توانند تامین کنند.

ارقام زیادی مانده گذشته نشان می دهد که ۶۶٪ درصد صادرات بازرگانی ما با بلوک غرب، ۱۸/۵٪ درصد آن کشورهای بلوک شرق، ۱۶/۸٪ درصد با کشورهای اسلامی ۹/۲٪ درصد پانلی مانده با کشورهای جهان سومی و شرکای صورت گرفته است. و ۶۶٪ درصد در مقابل با سال مقابل آن که ۶۶/۵٪ بوده است. بیشتر به دلیل ایجاد محدودیت ارزی بخش گفته افزایش یافته است.

● **اطلاعات:** رابطه واردات کالا با توزیع داخلی آن همیشه هارما دوسرجه واردات توسط دولت صورت می گیرد اما توزیع آن به بخش خصوصی واگذار می شود.

شروناج وظیفه عمده تجارت خارجی تامین کالا براساس سفارش بخش بازرگانی داخلی است. یعنی وقتی بخش بازرگانی داخلی تعیین کرده که چه مقدار کالا برای کشور مورد نیاز است، بخش بازرگانی خارجی بر مبنای نیاز اقدام به واردات می کند بعد از ورود کالا، اینکه سیستم توزیع چگونه باشد توسط بازرگانی داخلی تعیین می شود. بنابراین بخش بازرگانی خارجی درینش توزیع داخلی ندارد و وارد آن نمی شود. البته من مستخدم دوره روزی پانلی باید با مطالعه گامی یک سیستم معین توزیع را انتخاب کرد.

● **اطلاعات:** سهم بخشها از واردات کشور چه مقدار است؟

شروناج: طبق همین آمار مربوط به ۱۱ ماهه سال گذشته، سهم وارداتی ملی شده ۳۳/۴٪ درصد از کل لیت سفارش شده بوده است. سهم سازمانهای دولتی ۵۳/۵٪ درصد، سهم مراکز تهیه و توزیع ۹/۵٪ درصد و سهم نهادهای ۵/۵٪ درصد بوده است که کل را میسر حدود ۸۶/۱۲٪ درصد را شامل می شود. سهم بخش تعاونی ۱/۸٪ درصد و سهم بخش خصوصی نیز ۱۱/۵٪ درصد می شود. البته این سهم هر چند سهم صد بخش خصوصی در واردات با هر صادرات است یعنی بخش خصوصی در واردات با هر صادرات است یعنی بخش خصوصی ۹۰۰ میلیون دلار صادرات بر طرفی داشته ام که ۷۰۰ میلیون دلار آن دارای تمهید ارزی بود است و ۶۰۰ میلیون دلار آن صرف واردات کالا شده است و قسمت عمده این واردات توسط بخش خصوصی بوده است.

دراکز ما ضعف هایی وجود داشته و این امر پذیرفتنی است که ما می توانستیم در سیاست گذاری ها به گونه ای عمل کنیم تا جایی برای سوء استفاده پانلی نماند.

● **اطلاعات:** در حال حاضر حساسیت تصمیم گیری به حدی رسیده است که باید در سطح مقامات بالا صورت بگیرد و باید در جایی خارج از وزارت بازرگانی تعیین شود که مثلا کرب با پتیر وارد شود یا نه.

● **اطلاعات:** همه به این نتیجه رسیده اند که راه تکیه بر کالاهای صادراتی سنتی، در نهایت به بن بست ختم می شود و این کالاها در جهت امر برای اقتصاد کشور نجات بخش نیست.

● **مسائلیات و سود بازرگانی:** واردات اکنون به حدی مناسب رسیده است و اگر باز هم تولید داخلی اندک رونق با کالاهای وارداتی را نداشته باشد، ضعف را باید در نظام تولید جستجو کرد.

شروناج:راضی گل واحسی تولید خود را در کشور ما جای صادرات دارند. این مورد خاص را توضیح می دهم. دیگران با همگونی باشند.

● **اطلاعات:** آیا صادرات مواد شونده نیز با همین دیدگاه صورت می گیرد یا توجه به اینکه کمبود مواد شونده از سوی دیگر سبب کاهش سطح بهداشت و افزایش واردات دارد خواهد شد، آیا این به صرفه است؟

شروناج: اگر پودر شونده صادر نشود هم هزینه های بهداشتی وجود دارد. هم هزینه یکبارگی که ناشی از عدم صدور است. وجود واردات داشت و انتخاب جایی در روش پد حثیت شقی را که بد آن کمتر است، انتخاب می کنیم. وزارت صنایع می گویند من برای فلان واحد تولید خود شونده ارزی در نظر نگرفته ام و این واحد باید حتما